مجله اقتصادی
شماره‌های ۵ و ٦، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، صفحات ۲۸- ۵

اندازه‌گیری شاخص رفاه‌اجتماعی طی چهار دهه گذشته در مناطق شهری کشور

سیف ا... اسلامی
کارشناس‌ارشد اقتصاد
seifallaheslami@yahoo.com

نتایج به‌دست آمده از بررسی شاخص رفاه‌اجتماعی طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۵۶) در مناطق شهری کشور نشان می‌دهد که پایین‌ترین رقم این شاخص با ۶۱/۳ واحد در سال ۱۳۶۶ و بالاترین رقم این شاخص با ۱۰۶/۵ واحد در سال ۱۳۸۶ به‌وقوع پیوسته است. در سال‌های پس از۱۳۸۶، با وجود کاهش قابل ملاحظه ضریب‌جینی در مناطق شهری کشور به‌دلیل منفی شدن نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها (بجز سال۱۳۸۹) شاخص رفاه‌اجتماعی طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۸۷) با کاهش قابل‌توجهی مواجه شده است. رقم این شاخص در سال ۱۳۹۲ به ۸۶/۷ واحد رسیده که کمتر از رقم شاخص رفاه‌اجتماعی در سال ۱۳۸۱ می‌باشد. براساس اهداف طراحی شده در برنامه‌پنجم توسعه، در زیرمجموعه امور اقتصادی برای رسیدن به افزایش بالایی از شاخص رفاه‌اجتماعی نرخ رشد حداقل ۸ درصدی تولید ناخالص داخلی و در بخش گسترش عدالت اجتماعی کاهش فاصله ۲ دهک بالا و پایین درآمدی به‌طوری‌که شاخص ضریب‌جینی در کشور می‌بایست به ۰/۳۵ کاهش یابد پیش‌بینی شده است. بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهد که دستیابی همزمان به اهداف نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی به‌همراه کاهش ضریب‌جینی به ۰/۳۵ و کاهش دیگر شاخص‌های توزیع درآمد نظیر فاصله ۲ گروه بالا و پایین درآمدی طی سال‌های برنامه‌پنجم ۱۳۹۳ امکان‌پذیر نخواهد بود، بنابراین پیشنهاد می‌گردد در ترسیم اهداف اقتصادی برای تنظیم برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور این موضوع مدنظر قرار گیرد که دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا به‌همراه کاهش ضریب‌جینی برای رسیدن به افزایش بالایی از شاخص رفاه‌اجتماعی با مشکلاتی مواجه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: شاخص رفاه‌اجتماعی، توزیع درآمد، خط‌فقر، ضریب‌جینی، نرخ رشد اقتصادی، برنامه ششم توسعه اقتصادی.

۱. مقدمه

جهت افزایش رفاه‌اجتماعی، اجرای سیاست‌های حمایتی یکی از سیاست‌های مورد پذیرش کشورها در هر سطحی از توسعه اقتصادی است، از هدف‌های مهم برقراری پرداخت‌های انتقالی (یارانه‌ها) درخصوص مصرف، حمایت از طبقات ضعیف جامعه، افزایش رفاه آنان به‌همراه برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی است. دراین ارتباط نگاهی به روند پرداخت یارانه در کشور صورت می‌گیرد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

پرداخت‌های انتقالی (اعطای یارانه) در ایران به اوایل دهه ۱۳۵۰ باز می‌گردد. افزایش درآمدهای کشور که ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت‌خام به‌دلیل بروز جنگ اسرائیل با مسلمانان بود، منابع مالی و ارزهای خارجی فراوانی را به کشور ما منتقل نمود. در نتیجه عدم برنامه‌ریزی کشور پیرامون اتخاذ سیاست‌های مناسب در برابر تحول مذکور، حجم فراوان از این منابع از طریق تبدیل ازرهای خارجی به ریال توسط بانک مرکزی و سرازیرشدن نقدینگی ایجاد شده مذکور به جامعه گروه‌های خاصی از جامعه توانستند از مزایای آن استفاده نمایند، اما مناطق کوچک شهری و روستایی تنها معایب چنین تحولاتی را دریافت نمودند. این امر موجب ایجاد بی‌عدالتی اقتصادی (افزایش ضریب‌جینی) بین گروه‌ها و مناطق مختلف در کشور گردید. عوامل فوق به‌همراه افزایش هزینه‌های خانوارها و دولت و همچنین گسترش مصرف‌گرایی و عدم توانایی تولید داخلی در پاسخ به تقاضاهای جدید، موجبات افزایش قیمت کالاها و خدمات در کشور را فراهم نمود. دولت برای حفظ قدرت خرید طبقات وسیعی از جامعه، اقدام به واردات انبوه کالاهای اساسی و همچنین پرداخت‌های انتقالی (اعطای یارانه) به برخی از کالاهای اساسی نمود. پس از پیروزی انقلاب‌اسلامی و بیشتر شدن نقش دولت، اینگونه پرداخت‌ها گسترش بیشتری یافت. با این وجود پدیده‌هایی نظیر افزایش نرخ رشد جمعیت و مهاجرت به شهرها، تغییر ساختار کشاورزی کشور و ... به استفاده بیشتر دولت از درآمدهای نفتی، کاهش سهم مالیات‌ها در بودجه دولت، افزایش تعداد خانوارهای فقیر، افزایش بیکاری و تورم در جامعه و در نهایت بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی (افزایش ضریب‌جینی) و کاهش شاخص رفاه‌اجتماعی در برخی ازسال‌های ۴ دهه گذشته در جامعه منجر گردید.

۲. اهداف یارانه

در نظریات اقتصادی، یارانه‌های مصرفی در قالب تابع مصرف خانوارها و تحت‌عنوان پرداخت‌های انتقالی دولت به مصرف‌کنندگان مطرح می‌شود. علاوه‌بر این به‌صورت کلی پرداخت‌های انتقالی دولت (یارانه) می‌تواند برای ۳ هدف عمده اقتصادی دولت دارای نقش اساسی و محوری باشد.

۲-۱. رفاه‌اجتماعی و عدالت اقتصادی

نظریات مختلف و گاهی متناقضی در زمینه رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی وجود دارد. به‌طور کلی بر اساس نظریه بازار رقابت کامل در پروسه حداکثر نمودن سود در تولید کالا و خدمات، هر عاملی از تولید، سهمی از آن را به‌دست می‌آورد. با تأکید به این مسئله بسیاری بر این باورند که با رشد تولید، وضعیت رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی نیز در بلندمدت بهبود می‌یابد. با این وجود، با عنایت به بروز انحصارات و به‌کارگیری شیوه‌های نوین در تولید کالاها و خدمات به‌نظر نمی‌رسد که در کوتاه‌مدت شیوه فوق بتواند کارساز باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

از آنجایی که رفاه‌اجتماعی و عدالت اقتصادی یکی از آرمان‌های متعالی بوده و امروز به‌لحاظ اهمیت موضوع به یکی از اهداف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مهم برای دولت‌ها تبدیل شده است، دولت جهت بهبود در رفاه‌اجتماعی و عدالت اقتصادی از اهرم‌های مالی (مالیات و پرداخت‌های انتقالی) استفاده می‌نماید.

۲-۲. سیاست‌های تثبیت اقتصادی

نوسانات شدید قیمت‌ها به‌طور معمول به‌صورت دوره‌ای ظاهر شده و موجب به‌وجود آمدن شرایط رکود تورمی می‌گردد. این امر باعث بدبینی سرمایه‌گذاران شده و در نتیجه بر رشد و توسعه اقتصادی در بلندمدت اثر منفی می‌گذارد. جهت جلوگیری از چنین نوساناتی، دولت‌ها معمولاً با استفاده از اهرم‌های مختلف نظیر اهرم مالی در اقتصاد مداخله نموده و سیاست‌های تثبیت اقتصادی را در این زمینه به‌کار می‌برند.

۲-۳. استفاده بهتر از منابع کمیاب

در اقتصاد یک کشور به‌صورت دوره‌ای شرایطی به‌وجود می‌آید که نتیجه آن بروز نوسانات اقتصادی است. به‌عبارت دیگر شرایطی در اقتصاد به‌وجود می‌آید که رسیدن به بهینه پاراتو امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی دولت با استفاده از ابزارهای مالی نظیرتغییر در نظام مالیاتی و پرداخت‌های انتقالی (یارانه) بازار را به تخصیص بهینه دوم پاراتو هدایت نماید.

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های سیاست حمایتی پرداخت یارانه است که با توجه به پیچیدگی و تنوع و کاربرد آن طبقه‌بندی‌های خاص خود را دارد، اما در این مقاله به یارانه‌هایی اشاره خواهد شد که از نظر هزینه به‌صورت آشکار در قانون بودجه قابل انعکاس می‌باشند.

۳. نسبت یارانه‌های پرداختی به برخی از متغیرها

۳-۱. نسبت یارانه به کل بودجه دولت

از آنجایی که مبالغ یارانه‌ها در قالب هزینه‌های بودجه دولت منعکس می‌شود نسبت یارانه به کل بودجه دولت می‌تواند به‌عنوان شاخص قابل اعتمادی از سیاست‌های حمایتی دولت مورد بررسی قرار گیرد. براساس آمار و اطلاعات جدول (۱) ملاحظه می‌گردد که طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۵۸) نسبت مخارج یارانه به هزینه‌های بودجه روند ثابتی نداشته و با نوسانات زیادی همراه بوده است ، اما از سال ۱۳۶۹ به بعد این سهم از روند افزایش نسبتاً بالایی برخوردار شده به‌طوری که در سال ۱۳۷۳، ۱۲/۷ درصد از کل بودجه دولت صرف پرداخت یارانه گردیده و پس از این سال روندی کاهشی را طی نموده است.

با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها این نسبت مجدداً افزایش شدیدی را در ۳ سال گذشته تجربه نموده است، به‌گونه‌ای که دولت به‌دلیل فراگیر بودن پرداخت یارانه به همه مردم کشور طی سال گذشته دچار

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

مشکلات عدیده‌ای برای تأمین منابع آن بوده است. بر اساس گفته معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری، در سه ماهه اول سال ۱۳۹۳ در مجموع ۶۲۰۰ میلیارد تومان درآمد از اصلاح قیمت‌ها به حساب سازمان هدفمندی یارانه‌ها واریز شده، درحالی‌که دولت در این مدت ۱۰ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان به‌صورت نقدی یارانه پرداخت کرده که کسری ۴۲۰۰ میلیارد تومانی را نشان می‌دهد.

۳-۲. نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی

نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی شاخص دیگری است که طی ۴ دهه گذشته با رشد فراوانی همراه بوده و نشان می‌دهد که دولت در سال‌های (۱۳۷۵-۱۳۷۲) به‌دلیل یکسان‌سازی نرخ ارز در اقتصاد کشور و در نتیجه افزایش هزینه واردات کالاهای اساسی که به آن یارانه پرداخت می‌شود، نزدیک به نصف دریافت‌های خود از طریق مالیات را به‌صورت یارانه پرداخت نموده است. در سال‌های بعد این نسبت به‌صورت نوسانی تغییراتی را تجربه نموده است. با آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها این نسبت مجدداً در ۳ سال گذشته افزایش شدیدی داشته، به‌گونه‌ای که دولت طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۹۰) بیش از مقداری که مالیات دریافت نموده یارانه پرداخت کرده است.

۳-۳. نسبت یارانه به تولید ناخالص داخلی

شاخص دیگری که می‌تواند جایگاه سیاست‌های حمایتی دولت را در اقتصاد به نمایش بگذارد نسبت یارانه به تولید ناخلی داخلی می‌باشد. آمار و اطلاعات ۴ دهه گذشته اقتصاد ایران در جدول (۱) نشان می‌دهد که این نسبت تا قبل از آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها حول‌محور ۲ درصد در نوسان بوده است. با آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها این نسبت با افزایش قابل‌توجهی به بالاتر از ۶ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است.

۴. یارانه سرانه

شاخص دیگری که می‌تواند نشان‌دهنده ابعاد سیاست‌های حمایتی دولت باشد یارانه سرانه است. از آنجا که افزایش جمعیت موجب افزایش تقاضا برای دریافت یارانه نقدی و کالاهای اساسی یارانه‌ای می‌گردد، در نتیجه یارانه سرانه به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی می‌تواند وضعیت پرداخت‌های انتقالی دولت به جامعه را نمایان سازد.

آمار و اطلاعات جدول (۱) نشان می‌دهد که با افزایش حجم جمعیت میزان یارانه‌ها نیز افزایش یافته و در نتیجه سرانه پرداخت‌های یارانه‌ای به قیمت‌های جاری نیز روندی افزایشی به خود گرفته است، اما با تعدیل یارانه‌های پرداختی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ ملاحظه می‌گردد که به‌رغم روند صعودی یارانه سرانه (به قیمت جاری) که از سال ۱۳۶۸ آغاز گردیده و در سال ۱۳۹۱ به اوج خود رسیده آثاری که پرداخت این یارانه‌ها بر افزایش رفاه‌اجتماعی و قدرت خرید مردم داشته بسیار اندک بوده است. بنابراین

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

گرچه دولت همه‌ساله مبالغ زیادی از بودجه عمومی را صرف پرداخت یارانه نقدی و همچنین یارانه کالاهای اساسی نموده است، اما به‌دلیل فراگیر بودن اینگونه پرداخت‌ها تأثیر قابل‌توجهی در بهبود وضع معیشتی اقشار کم‌درآمد جامعه نداشته و ارزش واقعی کمک‌های دولت بر الگوی تغذیه جامعه چندان شایان توجه نبوده است. به‌طور مثال، دولت در سال ۱۳۹۱ برای هر فرد مبلغی در حدود ۶ میلیون ریال به‌عنوان یارانه هزینه نموده در حالی‌که تنها توانسته است قدرت خریدی به میزان ۶۲۵ هزار ریال ایجاد نماید. این قدرت خرید در سال ۱۳۹۰ در حدود ۶۶۵ هزار ریال بوده است. روند مذکور نشان می‌دهد در صورتی‌که تغییری در اعطای فراگیر یارانه توسط دولت صورت نگیرد (این امر نیازمند همکاری تمام ارکان حکومت و همراهی مردم می‌باشد) قدرت خرید مذکور طی سال‌های آینده به‌دلیل ادامه نرخ‌های تورم ۲ رقمی به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

جدول ۱. یارانه‌ها و سهم آن از برخی متغیرهای کلان اقتصادی

(۱۳۷۶=۱۰۰)

سال	کل یارانه‌ها به قیمت جاری (میلیارد ریال)	بودجه دولت به قیمت جاری (میلیارد ریال)	نسبت یارانه‌ها به بودجه دولت (درصد)	نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی (درصد)	نسبت یارانه‌ها به تولید ناخالص داخلی(درصد)	یارانه سرانه به قیمت جاری (ریال)	یارانه سرانه به قیمت ثابت (ریال)
۱۳۵۸	۷۹/۲	۲۰۱۸/۲	۳/۹	۲۱/۵	۱/۳	۲۰۹۶	۷۲۰۲۰
۱۳۵۹	۷۳/۳	۲۲۴۹/۳	۱/۷	۱۱	۰/۵۹	۹۵۰	۲۶۴۶۱
۱۳۶۰	۸۱/۳	۲۷۰۷۱	۳/۰	۱۴/۷	۱/۱	۱۹۹۱	۴۵۰۵۳
۱۳۶۱	۱۰۹/۷	۳۱۶۶/۳	۴ /۱	۱۷/۹	۱/۱	۲۵۸۷	۴۵۲۲۲
۱۳۶۲	۱۰۶/۱	۳۶۷۱/۷	۳/۵	۱۳/۳	۰/۸۵	۲۴۰۶	۳۷۱۹۵
۱۳۶۳	۱۰۲/۲	۳۳۵۳/۶	۲/۹	۱۳/۴	۰/۸۹	۲۶۲۲	۳۶۸۲۱
۱۳۶۴	۱۱۶/۴	۳۳۱۳/۶	۳/۶	۱۱/۳	۰/۸۱	۲۴۴۵	۳۱۸۷۶
۱۳۶۵	۱۲۷/۱	۳۱۵۶/۸	۴/۰	۱۲/۴	۰/۸۷	۲۵۷۵	۲۷۲۷۹
۱۳۶۶	۱۰۴/۵	۳۶۴۰/۶	۲/۹	۱۰/۲	۰/۵۸	۲۰۶۴	۱۷۵۹۹
۱۳۶۷	۹۰/۶	۴۲۱۰/۶	۲/۲	۹/۲	۰/۴۵	۱۷۵۳	۱۱۹۵۱
۱۳۶۸	۱۶۲/۵	۴۳۱۶/۷	۳/۸	۱۳/۷	۰/۶۵	۳۰۵۶	۱۷۸۶۹
۱۳۶۹	۴۰۳/۹	۶۰۵۱/۱	۶/۷	۲۳/۸	۱/۲	۷۴۱۲	۳۹۸۹۱
۱۳۷۰	۵۱۴/۹	۸۰۹۰/۹	۶/۴	۱۸/۶	۱/۱	۹۲۲۲	۴۱۱۱۲
۱۳۷۱	۱۰۶۳/۸	۱۰۷۵۶/۸	۹/۹	۲۷/۷	۱/۶	۱۸۴۴۵	۶۶۱۳۱
۱۳۷۲	۲۳۳۷/۷	۲۰۸۸۶/۹	۱۱/۲	۵۲/۳	۲/۱	۳۶۹۵۷	۱۰۷۹۰۰
۱۳۷۳	۳۶۸۶/۱	۲۸۹۱۲/۴	۱۲/۷	۶۷/۱	۲/۸	۶۳۱۹۷	۱۳۶۴۳۸
۱۳۷۴	۴۸۹۵/۱	۴۱۳۳۱	۱۱/۸	۶۶/۹	۲/۶	۸۲۷۰۴	۱۱۹۵۴۹
۱۳۷۵	۶۴۳۷	۵۶۷۸۳	۱۱/۳	۵۱/۳	۲/۷	۱۰۷۱۸۵	۱۲۵۷۳۰
۱۳۷۶	۵۸۰۱	۶۵۰۷۵	۸/۹	۳۳/۴	۲	۹۴۹۸۹	۹۴۹۸۹
۱۳۷۷	۶۲۹۴	۶۴۳۵۹	۹/۸	۳۳/۷	۱/۸	۱۰۱۳۴۸	۸۵۸۲۲
۱۳۷۸	۷۶۵۱	۹۴۵۷۲	۸/۱	۲۹/۶	۱/۸	۱۲۱۱۵۲	۸۵۴۳۳
۱۳۷۹	۸۳۹۰	۱۰۷۰۲۹	۷/۸	۲۵/۵	۱/۶	۱۳۰۶۴۷	۸۱۸۱۸
۱۳۸۰	۱۰۴۶۸	۱۲۸۲۴۴	۸/۲	۲۷	۱/۸	۱۶۰۳۰۴	۹۰۱۰۹
۱۳۸۱	۱۳۱۵۳	۲۲۹۹۶۳	۵/۷	۲۶	۱/۸	۱۹۸۳۸۶	۹۶۳۰۴
۱۳۸۲	۱۹۳۲۳	۲۶۳۳۷۵	۷/۳	۲۹/۷	۲/۱	۲۸۷۰۵۳	۱۲۰۸۰۹
۱۳۸۳	۲۷۵۳۸	۳۲۷۳۱۸	۸/۴	۳۲/۶	۲/۴	۴۰۲۹۲۶	۱۴۶۷۸۶
۱۳۸۴	۵۱۸۴۰	۴۷۰۹۹۰	۱۱	۵۰/۵	۳/۸	۷۴۷۰۸۲	۲۴۶۴۸۰
۱۳۸۵	۵۷۶۳۱	۵۷۴۹۸۹	۱۰	۴۵/۹	۳/۵	۸۱۷۵۱۳	۲۴۱۰۸۳
۱۳۸۶	۵۴۶۸۴	۶۲۹۶۰۹	۸/۷	۳۳/۶	۲/۸	۷۶۴۴۶۶	۱۹۰۴۰۳
۱۳۸۷	۸۵۴۳۴	۸۰۳۴۱۸	۱۰/۶	۴۲/۱	۳/۴	۱۱۷۷۰۳۲	۲۳۳۹۵۶
۱۳۸۸	۶۹۱۵۳	۸۴۵۲۷۳	۸/۲	۲۶/۳	۲/۴	۹۳۹۵۷۷	۱۶۲۱۰۸
۱۳۸۹	۱۱۴۹۵۳	۸۹۶۰۷۴	۱۲/۸	۴۰/۴	۲/۶۷	۱۵۴۰۹۲۵	۲۳۷۸۳۴
۱۳۹۰	۳۹۳۵۷۴	۱۲۸۴۶۵۶	۳۰/۶	۱۰۹/۵	۶/۴۴	۵۲۳۷۱۷۹	۶۶۵۲۰۷
۱۳۹۱	۴۵۴۹۶۲	۱۰۴۵۷۹۶	۴۳/۵	۱۱۵/۱	۶/۷۳	۵۹۸۶۳۴۲	۶۲۵۸۱۳

مأخذ: با استفاده از آمار و اطلاعات قوانین بودجه سال‌های مختلف، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، سازمان هدفمند کردن یارانه‌ها.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

۵. محاسبه خط‌فقر

به‌طور معمول پرداخت‌های یارانه‌ای، فشار به اقشار ضعیف جامعه در مقابل سیاست‌های اعمال شده در اقتصاد شامل فشارهای قیمتی، درآمدی و ... را کاهش داده و منجر به بهبود وضعیت معیشتی آنها می‌گردد. این شرایط موجبات کاهش نابرابری‌ها را فراهم نموده و در صورت ثابت بودن دیگر شرایط اقتصادی، افزایش رفاه‌اجتماعی را به‌همراه خواهد داشت. بنابراین در ادامه بحث به‌دلیل ارتباط مبحث خط‌فقر با موضوع رفاه‌اجتماعی به محاسبه خط‌فقر در ایران طی یک دوره ۲۲ ساله پرداخته می‌شود.

یکی از روش‌های محاسبه خط‌فقر استفاده از میانه آماری است. در این روش خانوار میانه داده‌ها تعیین و سپس هزینه انجام شده توسط خانوار مذکور به‌عنوان هزینه میانه، مورد استناد قرار گرفته و پس از آن نصف (برخی از کشورها $\frac{۲}{۳}$ هزینه خانوار مذکور) آن را به‌عنوان چارک اول یا خط‌فقر نسبی تلقی می‌نمایند.

فرض کلیدی در استفاده از این روش، نرمال بودن توزیع درآمد در کشور است. به‌عبارت دیگر چنانچه توزیع درآمد در کشور به‌صورت نرمال باشد می‌توان از روش چارک اول برای تعیین خط‌فقر نسبی استفاده نمود. در صورت وجود چولگی در توزیع درآمد باید تعدیلی دراین روش صورت پذیرد. به‌دلیل اینکه طی ۴ دهه گذشته در اقتصاد ایران همواره میانه هزینه‌ای خانوارها پایین‌تر از میانگین آن قرار داشته، بنابراین توزیع درآمد (هزینه) طی سال‌های مورد نظر به‌صورت چوله راست بوده است؛ یعنی گروه‌های زیادی از خانوارهای جامعه در سطوح پایین هزینه‌ای هستند. بنابراین برای محاسبه خط‌فقر در اقتصاد ایران به‌جای استفاده از میانه هزینه‌ای خانوارها باید از میانگین هزینه‌ای خانوارها استفاده گردد.

بر اساس آمار و اطلاعات هزینه درآمد خانوارهای شهری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۱، متوسط هزینه‌های سالانه یک خانوار شهری در حدود ۱۶۴/۳ میلیون ریال و چنانچه نصف رقم مذکور چارک اول هزینه‌ای تلقی گردد، خط‌فقر نسبی در سال ۱۳۹۱ در حدود ۸۲/۱۵ میلیون ریال خواهد بود.

از آنجایی که هزینه ۳ گروه اول هزینه‌ای مناطق شهری در سال ۱۳۹۱ پایین‌تر از رقم مذکور می‌باشد ۳ گروه فوق زیر خط‌فقر نسبی به‌سر می‌برند. حال با عنایت به تعداد خانوار در گروه‌های مذکور (۸۷۳، ۹۳۰/۵ و ۱۲۶۸) و متوسط بعد خانوار در ۳ گروه فوق (۲/۱، ۲/۸۵ و ۳/۱۹) حدود ۱۲/۷۵ درصد افراد مناطق شهری کشور در سال ۱۳۹۱ زیر خط‌فقر نسبی به‌سر برده‌اند. با تعمیم نمونه‌گیری مرکز آمار ایران به کل جمعیت شهری کشور (۵۴/۶ میلیون نفر)، در سال ۱۳۹۱ حدود ۶/۹۶ میلیون نفر در مناطق شهری زیر خط‌فقر نسبی بوده‌اند.

برای مناطق روستایی متوسط هزینه سالانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۹۱ حدود ۱۰۸/۲ میلیون ریال و اگر نصف رقم مذکور چارک اول در نظر گرفته شود، خط‌فقر نسبی حدود ۵۴/۱ میلیون ریال خواهد بود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

بنابراین، هزینه ۳ گروه اول هزینه‌ای مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۹۱ پایین‌تر از رقم مذکور قرار می‌گیرد. حال با توجه به تعداد خانوار گروه‌های مذکور (۵۷۶، ۸۸۱ و ۱۷۷۵) و متوسط بعد خانوار در ۳ گروه فوق (۱/۴۶، ۱/۹۴ و ۲/۸۴۳) در حدود ۹/۸۴ درصد مناطق روستایی در سال ۱۳۹۱ زیر خط‌فقر نسبی به‌سر بوده‌اند. با پذیرش تعمیم نمونه به کل جمعیت روستایی کشور (۲۱/۴ میلیون نفر) در سال ۱۳۹۱ در حدود ۲/۱۱ میلیون‌نفر در مناطق روستایی زیر خط‌فقر نسبی بوده‌اند. بر اساس استفاده از روش میانگین هزینه‌ای برای تعیین خط‌فقر نسبی در سال ۱۳۹۱ در مناطق شهری و روستایی کشور حدود ۹/۰۷ میلیون نفر (در حدود ۱۱/۹۳ درصد) زیر خط‌فقر نسبی به‌سر برده‌اند. جهت طراحی یک سری‌زمانی برای خط‌فقر نسبی طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۷۰) نیز با استفاده از همین روش خط‌فقر نسبی محاسبه و در جدول ذیل آورده شده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

جدول ۲. محاسبه خط‌فقرنسبی خانوارهای شهری و روستایی براساس روش استفاده از میانگین هزینه‌ای

سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲*
میانگین هزینه سالانه شهری (میلیون ریال)	۳/۰۶	۳/۷۹	۴/۶۱	۶/۲۴	۸/۸۸	۱۱/۰۶	۱۳/۳۴	۱۶/۶۷	۲۰/۷۰	۲۴/۱۸	۲۸/۰۲	۳۴/۹۷	۴۰/۹۹	۵۱/۵	۵۹/۲۴	۶۲/۲۹	۸۱/۲۹	۹۲/۲۱	۹۹/۱۹	۱۱۳/۶۸	۱۳۲/۷۲	۱۶۴/۳	۲۰۶
میانگین هزینه سالانه روستایی (میلیون ریال)	۱/۹۳	۲/۳۱	۲/۷۳	۳/۸۹	۵/۹۵	۶/۹۹	۸/۵۰	۱۰/۸	۱۳/۶۴	۱۵/۶۷	۱۷/۲۳	۲۱/۴۰	۲۵/۶۸	۳۳/۵۴	۳۷/۵	۴۱/۷۵	۴۸/۸۵	۵۳/۹۹	۵۹/۲۶	۶۸/۴۸	۸۳/۹۷	۱۰۸/۲	۱۲۹/۶
خط‌فقر نسبی سالانه شهر (میلیون ریال)	۱/۵۳	۱/۸۹	۲/۳۱	۳/۱۲	۴/۴۴	۵/۵۳	۶/۶۷	۸/۳۳۵	۱۰/۳۵	۱۲/۰۹	۱۴/۰۱	۱۷/۴۹	۲۰/۴۹	۲۵/۷۴	۲۹/۶۲	۳۳/۶۴	۴۰/۶۵	۴۷/۱	۴۹/۶	۵۶/۸۴	۶۶/۳۶	۸۲/۱۵	۱۰۳
خط‌فقر نسبی سالانه روستا (میلیون ریال)	۰/۹۶۵	۱/۱۶	۱/۳۷	۱/۹۵	۲/۹۸	۳/۵۰	۴/۲۵	۵/۴	۶/۸۲	۷/۸۴	۸/۶۲	۱۰/۷۰	۱۲/۸۴	۱۶/۷۷	۱۸/۷۵	۲۰/۷۹	۲۴/۴۲	۲۶/۹۹	۲۹/۶۳	۳۴/۲۴	۴۱/۹۹	۵۴/۱	۶۴/۸
تعداد افراد زیرخط‌فقر در شهر (هزار نفر)	۱۶/۹	۱۱	۴/۶	۱۳/۴	۱۹/۳	۱۲/۳۶	۱۲/۷	۶/۲۲	۱۰/۲۱	۱۳/۰۱	۹/۵۳	۱۴/۲۳	۸/۸۹	۹/۹۳	۱۲	۱۱/۲۹	۱۶/۶۵	۱۴/۱۷	۱۲/۱۵	۱۵/۵۵	۹/۴۵	۸/۵۳	
تعداد افراد زیرخط‌فقردرروستا (هزار نفر)	۱۹/۴	۱۳/۲	۵/۷	۸	۱۴/۱۷	۱۱/۰۵	۱۱/۶	۱۰/۴۰	۲۰/۲۲	۱۵/۲	۱۷/۲۶	۱۲/۱۱	۱۰/۴	۱۲/۶۲	۱۴/۸۸	۱۴/۸۱	۱۵/۶۵	۲۰/۴۸	۱۷/۳۶	۱۲/۹۲	۵/۶۵	۷/۵۶	
تعداد کل افراد نمونه در شهر (هزار نفر)	۴۶/۸	۴۶/۱	۳۳/۱	۶۰/۰۹	۱۰۰/۸	۵۲/۶۹	۵۲/۱	۳۹/۱	۶۰/۶۰	۵۵/۶۹	۵۵/۱۵	۶۶/۶۵	۴۸/۱۸	۴۹/۹	۵۲/۶	۵۶/۴۲	۵۸/۱۲	۷۴/۲۳	۷۰/۵۵	۶۹/۰۱	۶۹۰۰۷	۶۶/۹۱۱	
تعداد کل افراد نمونه درروستا (هزار نفر)	۵۵/۱	۵۳/۷	۳۳/۱	۴۳/۹۶	۹۲/۸	۶۱/۰۹	۵۹/۶	۴۹/۹	۷۹/۱۲	۷۷/۰۵	۷۵/۷۵	۸۶/۳۸	۵۹/۹۵	۶۲/۸۷	۶۶/۱	۷۷/۳۲	۷۵/۱۴	۸۴/۱۵	۷۷/۱۸	۸۰/۱	۷۹/۷	۷۶/۸۶	
افراد زیرخط‌فقردر شهر (درصد)	۳۶/۱	۲۳/۹	۱۳/۷	۲۲/۳	۱۹/۱	۲۳/۴۵	۲۴/۳	۱۵/۹۱	۱۶/۸۴	۲۳/۳۵	۱۷/۲۷	۲۱/۳۵	۱۸/۴۶	۱۹/۹	۲۲/۸۲	۲۰/۰۲	۲۸/۶۴	۱۹/۱	۱۷/۲۳	۲۲/۵۴	۱۳/۶۹	۱۲/۷۵	
افراد زیرخط‌فقردر روستا (درصد)	۳۵/۲	۲۴/۶	۱۷/۲	۱۸/۲	۱۵/۳	۱۸/۱	۱۹/۴	۲۰/۸۲	۲۵/۵۶	۱۹/۷۳	۲۲/۷۹	۱۴/۰۳	۱۷/۳۹	۲۰/۱	۲۲/۵۲	۱۹/۱۶	۲۰/۸۳	۲۴/۳۴	۲۲/۵	۱۶/۱۲	۷/۰۸	۹/۸۴	

* به‌دلیل عدم انتشار کامل آمار و اطلاعات سال (۱۳۹۲) هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران، سایر سطرها قابل محاسبه نخواهد بود.

مأخذ: ۲ سطر اول از هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف و سایر سطرها یافته‌های تحقیق می‌باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

جهت بهبود وضعیت زندگی خانوارهای زیر خط‌فقر در سال ۱۳۹۱ و در نتیجه افزایش رفاه‌اجتماعی می‌بایست مبالغی به‌عنوان پرداخت‌های انتقالی به آنها اعطا گردد. کسری خانوارهای زیر خط‌فقر در مناطق شهری و روستایی به‌صورت ذیل می‌باشد.

برای بهبود و ارتقای سطح زندگی گروه اول هزینه‌ای خانوارهای شهری، با توجه به اینکه خط‌فقر نسبی حدود ۸۲/۱۵ میلیون ریال و سرانه آن در حدود ۲۲/۷۶ میلیون ریال می‌باشد، برای هر فرد در خانوار این گروه در حدود ۸/۹۵ میلیون ریال نیاز خواهد بود (متوسط هزینه گروه اول ۱۳/۸۱ میلیون ریال بوده است). با توجه به تعداد افراد خانوار در گروه اول (۲/۱ نفر) کسری یک خانوار در این گروه برای بهبود و ارتقای سطح زندگی تا سطح زندگی در حد خط‌فقر به ۱۸/۷۹ میلیون ریال بالغ می‌گردد. حال با در نظر گرفتن کل نفرات گروه اول، در صورت تعمیم نمونه به جامعه شهری کشور در این گروه هزینه‌ای (۱/۴۹۶ میلیون نفر) مجموع کسری گروه اول هزینه‌ای در حدود ۱۳۳۸۴/۳ میلیارد ریال خواهد بود. کسری خانوارها در گروه دوم و سوم هزینه‌ای مناطق شهری در سال ۱۳۹۱ بر همین اساس به‌ترتیب مبلغ ۹۰۰۱/۵ و ۴۷۵۱/۴ میلیارد ریال خواهد بود. به این ترتیب برای ارتقای سطح زندگی این خانوارها تا خط‌فقر نسبی، کشور نیازمند اعطای مبلغی در حدود ۲۷۱۳۷ میلیارد ریال برای سال ۱۳۹۱ به این خانوارها در ۳ گروه هزینه‌ای بوده است.

کسری ۳ گروه اول هزینه‌ای خانوارهای روستایی برای بهبود و ارتقای سطح زندگی، تا سطح خط‌فقر نسبی در سال ۱۳۹۱ بر اساس روش فوق در حدود ۲۲۳۵/۵ میلیارد ریال بوده است. به این ترتیب کسری خانوارهای شهری و روستایی برای بهبود و ارتقای سطح زندگی تا سطح خط‌فقر نسبی در ۳ گروه هزینه‌ای در سال ۱۳۹۱ در حدود ۲۹۳۷۲/۷ میلیارد ریال بوده است.

این در حالی است که به هریک از افراد این خانوارها که جمعیتی بالغ بر ۹/۰۷ میلیون نفر را در کشور شامل می‌شود، دولت مبلغ ۵/۴۶ میلیون ریال به‌عنوان یارانه نقدی در سال ۱۳۹۱ پرداخت نموده است (پرداخت ۴۹۵۲۲ میلیارد ریال یارانه نقدی در سال ۱۳۹۱ به کل افراد ۳ گروه هزینه‌ای در مناطق شهری و روستایی کشور).

به بیان دیگر دولت در سال ۱۳۹۱ علاوه بر پرداخت مبلغی در حدود ۵ هزار میلیارد تومان به‌عنوان یارانه نقدی به این خانوارها در مناطق شهری و روستایی، برای بهبود و ارتقای سطح رفاه‌اجتماعی، تا سطح خط‌فقر نسبی می‌بایست مبلغ ۲/۹۴ هزار میلیارد تومان دیگر نیز به آنها پرداخت می‌نمود. کنکاش در اعداد و ارقام فوق لزوم تغییر سیاست‌های اجرایی در نحوه هدفمندسازی یارانه را دو چندان می‌سازد. این امر در وهله نخست اقدام شجاعانه دولت در شناسایی گروه‌های نیازمند به یارانه را طلب می‌نماید. حذف یارانه نقدی گروه‌های متوسط به بالای هزینه‌ای علاوه بر اینکه توان دولت را در رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر جامعه افزایش می‌دهد، موجبات کاهش بار مالی سنگینی که طی ۳ سال گذشته بر دولت وارد شده است را فراهم می‌نماید.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

جدول ۳. محاسبه کسری هزینه خانوارها تا خط‌فقر در سال ۱۳۹۱

مناطق	گروه‌های هزینه‌ای	کسری هزینه هرخانوار (میلیون‌ریال)	کسری سرانه (میلیون‌ریال)	سهم تعداد افراد از کل نمونه (درصد)	میزان جمعیت در کل کشور (میلیون‌نفر)	مجموع کسری (میلیارد ریال)
شهری	گروه اول	۱۸/۷۹	۸/۵۹	۲/۷۴	۱/۴۹۶	۱۳۳۸۴۶/۳
	گروه دوم	۱۱/۸۶۲	۴/۱۶	۳/۹۶۳	۲/۱۶۴	۹۰۰۱/۵
	گروه سوم	۴/۵۹	۱/۴۴	۶/۰۴۴	۳/۳	۴۷۵۱/۴
	جمع شهری	--	--	۱۲/۷۴۷	۶/۹۶	۲۷۱۳۷/۲
روستایی	گروه اول	۷/۹	۵/۴۲	۱/۰۹۴	۰/۲۳۴	۱۲۶۷
	گروه دوم	۱/۷۴	۰/۹	۲/۲۲۳	۰/۴۷۶	۴۲۷/۲
	گروه سوم	۱/۱	۰/۳۹	۵/۵۶	۱/۴۰۴	۵۴۱/۲
	جمع روستایی	-	-	۹/۸۷۶	۲/۱۱۳	۲۲۳۵/۵
جمع کل کشور		-	-	-	۹/۰۷	۲۹۳۷۲/۷

مأخذ: نتایج تحقیق.

در اکثر کشورهای در حال توسعه به‌دلیل پایین بودن تولید ناخالص داخلی و همچنین چولگی راست در توزیع درآمد سطح رفاه‌اجتماعی بسیار پایین است، بنابراین مبلغی که خط‌فقر نسبی را تعیین می‌نماید کمتر از مبلغی است که خط‌فقر مطلق ترسیم می‌کند. به بیان دیگر در کشورهای درحال توسعه مشکل اصلی سوءتغذیه و فقر مزمن بوده و نابرابری شدید درآمدی در مراحل پس از آن قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر در این کشورها طیف وسیعی از جمعیت کشور قادر نیستند که مصرف خود را بر اساس الگوی تغذیه مناسب و نرمال تنظیم نمایند. در مقابل این کشورها، کشورهای صنعتی و پیشرفته به لحاظ حجم بالای تولید ناخالص داخلی تا حدود زیادی موفق به حذف فقر مطلق در کشورهایشان شده‌اند و در چند دهه اخیر به کاهش نابرابری‌های درآمدی با اهرم‌های مختلف اقدام نموده‌اند. بنابراین، کشورهایی که از سطح و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بالایی برخوردارند گرچه سطح زندگی و رفاه‌اجتماعی در آنها بالاست، اما سالانه درصدی از خانوارها را بر اساس معیار نصف میانگین درآمد سرانه کشور (برخی از کشورها، $\frac{۲}{۳}$ میانگین درآمد سرانه کشور) به‌عنوان خانوارهای زیر خط‌فقر تعیین می‌نمایند. به‌عبارت دیگر مبلغ تعیین کننده خط‌فقر نسبی در این کشورها (برعکس کشورهای در حال توسعه و فقیر که خط‌فقر مطلق تعیین شده برای به‌دست آوردن الگوی تغذیه استاندارد، بالاتر از خط‌فقر نسبی می‌باشد) بسیار بالاتر از مبلغ تعیین کننده خط‌فقر مطلق در این کشورها است.

با توجه به وجود چولگی راست در نحوه توزیع درآمد در کشور، انتظار می‌رود که مبلغ تعیین کننده سالانه خط‌فقر مطلق بسیار بیشتر از مبالغ تعیین‌شده برای خط‌فقر نسبی در مناطق شهری و روستایی (۸۲/۲ میلیون ریال مناطق

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

شهری و ۵۴/۱ میلیون ریال مناطق روستایی) کشور باشد. بنابراین، برای برطرف نمودن فقر مطلق در گروه‌های هزینه‌ای کشور در سال ۱۳۹۱ مبلغی بسیار بیشتر از ۲۹/۴ هزار میلیارد ریال مورد نیاز بوده است.

۶. کنکاشی پیرامون دیدگاه‌های مختلف رفاه‌اجتماعی

توزیع درآمد در اندیشه‌های مکاتب اقتصادی از یونان باستان تا دوران معاصر نقش مهمی را ایفا نموده است. در این راستا هر یک از مکاتب نظریات مختلفی را بیان نموده‌اند. این نظریات را به‌طور کلی می‌توان به ۲ دسته، توزیع مبتنی بر عوامل تولید (که در آن فعالیت‌ها برای تولید و کسب درآمد از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد) و توزیع شخصی یا مقداری درآمد (که در آن فعالیت‌ها برای کسب درآمد در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد) تفکیک نمود.

اقتصاد همانگونه که به چگونگی تخصیص منابع اهمیت می‌دهد به بررسی شرایط ایده‌آل و اینکه تخصیص منابع چگونه باید توزیع شود نیز می‌پردازد. بر این اساس عدالت اقتصادی نیز که بخشی از مقوله عدالت در جامعه می‌باشد در نظریات اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد.

برای رسیدن به عدالت اقتصادی، نخستین و ساده‌ترین برداشت و تحلیل از آن می‌تواند به اندیشه تساوی‌طلبی بینجامد. این تفکر معتقد است بهترین دولت دولتی است که به توزیع نسبتاً برابر درآمد و ثروت میان اعضای جامعه همت گمارد، زیرا چنانکه درآمد و ثروت به‌صورت برابر بین افراد توزیع شود باعث ایجاد رابطه مناسبی بین اعضای جامعه می‌شود.

یکی از مسائلی که این تفکر با آن مواجه خواهد بود وجود تفکرات مختلف پیرامون بهتر شدن وضعیت افراد جامعه می‌باشد. در این شرایط به‌دلیل متفاوت بودن مطلوبیت افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، مساوی شدن کامل رفاه افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، هزینه‌های غیر قابل تصور و فراوانی را به جامعه تحمیل خواهد نمود. به همین دلیل عده‌ای معتقد هستند که می‌بایست به‌جای توزیع برابر ثروت، منابع و امکانات را به‌صورت مساوی بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی توزیع نمود. در این شرایط عدالت برقرار است اما اگر افرادی از جامعه نخواستند از فرصت‌های برابر ایجاد شده استفاده نمایند شرط کارایی اقتصادی حکم می‌کند که اجازه استفاده از فرصت‌های باقیمانده در جامعه به افراد دیگری داده شود؛ در این صورت تلفیقی بین کارایی و عدالت اقتصادی پدید می‌آید. اینکه چه درجه‌ای از کارایی و عدالت به‌کار گرفته می‌شود به ارزش‌ها و برتری‌های ذهنی مردم، قوانین و مقررات حاکم بر آنها و نحوه کارکرد نهادهای موجود در جامعه بستگی خواهد داشت. دراین راستا نظریات مختلفی توسط بنت میت و همچنین رالز ارائه گردیده است.

اگر رفاه‌اجتماعی کل جامعه مهم تلقی شود در این صورت توابع رفاه‌اجتماعی به‌صورت خطی و از مجموع مطلوبیت افراد به‌دست می‌آید که در آن نحوه توزیع اهمیتی نخواهد داشت. در این نظریه چنانچه مطلوبیت یک فرد کاهش و به همان میزان مطلوبیت فرد دیگری افزایش یابد تابع رفاه‌اجتماعی ثابت خواهد ماند، اما چنانچه

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

رفاه‌اجتماعی جامعه با نحوه توزیع بین افراد جامعه ارتباط تنگاتنگی داشته باشد در این صورت توابع رفاه‌اجتماعی به‌صورت تابعی L شکل از مجموع مطلوبیت افراد جامعه به‌دست می‌آید. در این شرایط هرچه سطوح مختلف مطلوبیت افراد جامعه به هم نزدیک‌تر باشد رفاه‌اجتماعی بالاتر است؛ به‌عبارت دیگر تابع رفاه‌اجتماعی به‌صورت تابعی از مینیمم مطلوبیت‌های تک‌تک افراد جامعه خواهد بود.

در صورت مهم بودن هر دو فاکتور مجموع مطلوبیت افراد و مطلوبیت‌های تک‌تک افراد جامعه، توابع رفاه‌اجتماعی به‌صورت عادی و مانند توابع کلاسیک مطلوبیت مصرف‌کننده خواهند بود.

با توجه به اینکه در تفکرات مربوط به توزیع درآمد ۲ رویکرد کلی تولیدی و توزیعی وجود دارد، در ادامه این مقاله به مباحث مربوط به تولید و رشد اقتصادی و همچنین نابرابری (ضریب‌جینی) و روابط این ۲ متغیر مهم اقتصاد کلان پرداخته می‌شود.

۶-۱. فرضیه کوزنتس[1]

سیمون کوزنتس نظریه خود پیرامون رشد اقتصادی و توزیع درآمد را برای نخستین‌بار در سال ۱۹۴۵ ارائه نمود. براساس این نظریه، نابرابری درآمدی در مراحل اولیه رشد اقتصادی افزایش یافته و پس از رسیدن رشد اقتصادی به سطحی معین نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. کوزنتس در مطالعات خود به این نتیجه می‌رسد که سهم گروه‌های مرفه از تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی بیشتر است. به‌عنوان مثال ۵ درصد خانوارها در کشورهای در حال توسعه بیشتر از ۳۰ درصد از درآمد را جذب می‌نمایند، در حالی که این نسبت در کشورهای پیشرفته در حدود ۲۰ الی ۲۵ درصد بوده است. همچنین، سهم گروه‌های متوسط در کشورهای پیشرفته نسبت به کشورهای در حال توسعه بیشتر می‌باشد. کوزنتس عنوان می‌نماید در بلندمدت پس از آنکه رشد اقتصادی به حجم معینی برسد نابرابری کاهش خواهد یافت.

رشد اقتصادی به افزایش پیوسته تولید ناخالص داخلی یک کشور اطلاق می‌گردد. در نظریه‌های اقتصادی، رشد یا مسیر بالقوه رشد یک مفهوم بلندمدت است. مدل‌های طراحی شده پیرامون رشد اقتصادی در نیمه دوم قرن بیستم تلاش نمودند که سطح و شیب مسیر رشد اقتصادی را تعیین نموده و عوامل مؤثر بر آنها را شناسایی نمایند.

در مدل‌های رشد یکنواخت، با فرض وجود تنها ۲ عامل کار و سرمایه در واحدهای تولیدی، اثبات می‌شود که شیب تابع تولید بلندمدت همان نرخ سود می‌باشد و سهم سود از تولید، شیب تابع تولید بلندمدت در نقطه تعادل می‌باشد. بنابراین، درصورتی‌که کشوری در سطوح پایین تولید ملی بلندمدت خود قرار داشته باشد، به‌دلیل اینکه در اوایل تابع تولید شیب آن زیاد است تعادل در این نقاط منجر به سهم بالای سرمایه از تولید نسبت به نیروی کار می‌گردد. به همین دلیل یکی از عوامل مؤثر نرخ سود بالای پول در کشورهای در

1. Kuzents Hypothesis

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

حال توسعه و فقیر سطح پایین تولید دراین کشورهاست. در مقابل در کشوری نظیر ژاپن که از سطح بالای تولید برخوردار می‌باشد (مقدار تولید در مجاورت ماکزیمم تابع تولید قرار دارد) شیب تابع تولید تقریباً نزدیک به صفر است (سهم سرمایه از تولید در مقایسه با سهم دستمزد بسیار ناچیز است). به‌همین دلیل نرخ سود پول در این کشور نزدیک به صفر می‌باشد. در این شرایط سرمایه‌داران کشورهای مذکور به‌دلیل جلوگیری از صفر شدن سهم سرمایه اقدام به انتقال سرمایه به کشورهای پیرامون خود می‌نمایند.

بر اساس مطالب فوق، در مراحل اول تولید به‌دلیل اینکه شیب تابع تولید به‌طور مرتب افزایش می‌یابد سهم سرمایه از تولید افزایش و در نتیجه سهم دستمزد از تولید کاهش می یابد. بنابراین، در مراحل اولیه رشد اقتصادی، با ثابت بودن سایر عوامل، توزیع درآمد بدتر می‌شود. با حرکت روی تابع تولید (افزایش تولید) و در نتیجه کاهش شیب آن، سهم سرمایه کاهش و سهم دستمزد افزایش می‌یابد. نهایت این روند ماکزیمم تولید می‌باشد که در آنجا سهم سرمایه به صفر می‌رسد. به‌عبارت دیگر در نهایت تابع تولید(ماکزیمم تولید)، تمام سهم تولید به دستمزد تعلق می گیرد. این روند همان مسیر U شکل نظریه کوزنتس به‌صورت نظری است. بر این اساس کشورهایی که در سطوح پایین تولید قرار دارند (با فرض ثابت بودن عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ...)، با افزایش تولید با بدتر شدن توزیع درآمد مواجه خواهند شد. به‌عبارت دیگر افزایش تولید در این کشورها توزیع درآمد را نامناسب‌تر می‌نماید و کاهش تولید منجر به بهبود توزیع درآمد خواهد شد. به این دلیل بسیاری از اقتصاددانان به‌جای استفاده از شاخص‌های نابرابری نظیر ضریب‌جینی از شاخص سن که یک شاخص رفاه‌اجتماعی محسوب می‌شود که ترکیبی از تولید و توزیع درآمد در آن نهفته است را برای ارزیابی وضعیت یک جامعه در سال‌های مختلف استفاده می‌نمایند.

در این شرایط چنانچه توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال قبل بهبود یابد می‌بایست بررسی شود که تولید در این دوره زمانی چگونه تغییر نموده است، چرا که بهتر شدن وضعیت توزیع درآمد الزاماً به‌معنای بهبود در رفاه‌اجتماعی نخواهد بود. همچنین، در شرایطی که تولید در وضعیت رکود به‌سر می‌برد می‌بایست بررسی شود که توزیع درآمد در آن جامعه نسبت به سال قبل چگونه تغییر نموده است. در برخی از شرایط کاهش نابرابری به‌واسطه کاهش تولیدات کل جامعه و رکود اقتصادی حاصل می‌شود که این امر به‌معنای گسترش فقر در جامعه خواهد بود. به‌عبارت دیگر همانگونه که در شرایطی افزایش تولید منجر به افزایش نابرابری می گردد بافرض همان شرایط، کاهش تولید و رکود اقتصادی نیز منجر به کاهش نابرابری و بهبود در توزیع درآمد خواهد شد.

بر اساس مطالب فوق در برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای رسیدن به اهداف توسعه در اینگونه کشورها باید دقت لازم در ترسیم اهداف اقتصادی صورت پذیرد. به‌عبارت دیگر چنانچه کشوری در مراحل اولیه رشد اقتصادی خود قرار دارد، نمی‌توان همزمان رشد اقتصادی بالا را به‌همراه مناسب‌تر شدن توزیع درآمد در اهداف برنامه‌های توسعه مدنظر قرار داد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

۶-۲. ضریب‌جینی

شیوه‌های مختلفی توسط اقتصاددانان برای تجزیه و تحلیل میزان نابرابری به‌کار گرفته شده که یکی از آنها ضریب‌جینی است که از متداول‌ترین شاخص‌های نابرابری درآمد می‌باشد. شاخصی که دارای کمیتی بین صفر(عدم وجود نابرابری) و یک (نابرابری در نهایت خود) می‌باشد. در این شاخص چنانچه منابع مالی و یا درآمدی از افراد یا گروه‌های مرفه جامعه به افراد یا گروه‌های آسیب‌پذیر منتقل شود موجب کاهش در شاخص مذکور شده و کمیت مطلق آن به نحوه توزیع درآمد در گروه‌های میانی جامعه حساس می‌باشد. در توصیف ضریب‌جینی به‌صورت شکل هندسی این شاخص به‌صورت ذیل تعریف می شود.

انتگرال سطح بین خط ۴۵ درجه با منحنی لورنز تقسیم بر انتگرال سطح بین خط ۴۵ درجه بامحور x ها. بنابراین، فرمول جبری ضریب جینی را به‌صورت زیر می‌توان نوشت:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^{n} (x_i - x_{i-1}) * (y_i + y_{i+1}) \qquad (۱)$$

در این مقاله برای محاسبه شاخص رفاه‌اجتماعی از شاخصی که توسط آمارتیا سن ارائه گردیده استفاده شده است. شاخص رفاه‌اجتماعی توسط سن، ترکیب تولید و توزیع را به‌طور همزمان مورد توجه قرار داده است. فرمول ارائه شده توسط آمارتیا سن به‌صورت ذیل می‌باشد.

$$W = Y(1 - G) \qquad (۲)$$

که در آن، W= شاخص سن، Y= تولید و G= ضریب‌جینی می‌باشد.

برای محاسبه شاخص سن طی ۴ دهه گذشته در ایران در این مقاله از متغیرمتوسط هزینه واقعی یک خانوار در مناطق شهری، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ به‌عنوان نزدیک‌ترین متغیر به تولید استفاده می‌شود.

۷. بررسی تحولات شاخص رفاه‌اجتماعی در مناطق شهری کشور طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۵۶)

پیش از شروع بحث پیرامون شاخص رفاه‌اجتماعی می‌بایست یادآوری گردد که به‌دلیل عدم انجام نمونه‌گیری هزینه درآمد خانوارهای مناطق شهری و روستایی درسال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۶۰ توسط مرکز آمار ایران، برای به‌دست آوردن آمار و اطلاعات در ۲ سال فوق از میانگین سال قبل و بعد از آن به‌عنوان جانشین آنها استفاده شده است. به‌عنوان مثال برای به‌دست آوردن آمار و اطلاعات هزینه درآمد خانوارهای مناطق شهری در سال۱۳۵۷، از میانگین سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۸ استفاده شده است.

آمار و اطلاعات جدول (۴) نتایج به‌دست آمده از بررسی شاخص رفاه‌اجتماعی طی ۴ دهه گذشته در مناطق شهری کشور را نشان می‌دهد. پایین‌ترین رقم شاخص رفاه‌اجتماعی با ۶۱/۳ واحد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

در سال ۱۳۶۶ و بالاترین رقم این شاخص با ۱۰۶/۵ واحد در سال ۱۳۸۶ به‌وقوع پیوسته است. در سال‌های پس از۱۳۸۶، با وجود کاهش قابل ملاحظه ضریب‌جینی در مناطق شهری کشور، به‌دلیل منفی شدن نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها (بجز سال۱۳۸۹) طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۸۷) شاخص رفاه‌اجتماعی با کاهش قابل‌توجهی مواجه شده است. رقم این شاخص در سال ۱۳۹۲ به ۸۶/۷ واحد رسیده که کمتر از رقم شاخص رفاه‌اجتماعی در سال ۱۳۸۱ می‌باشد.

در سال ۱۳۶۶ نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها در حدود ۹ درصد کاهش یافته و افزایش ضریب‌جینی در این سال در حدود ۰/۲ واحد بوده است. این در حالی است که در سال ۱۳۸۶ نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها در حدود ۲ درصد و کاهش ضریب‌جینی در این سال در حدود ۰/۵ واحد بوده است.

بالاترین نرخ رشد شاخص رفاه‌اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۱، ۱۳۶۲ و ۱۳۷۷ به‌وقوع پیوسته است. نرخ رشد شاخص رفاه‌اجتماعی در سال‌های فوق به‌ترتیب ۷/۹۱، ۷/۸۵، ۷/۷ و ۶/۸ واحد بوده و پایین‌ترین نرخ رشد شاخص رفاه‌اجتماعی در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۴، ۱۳۶۶، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ واقع شده است. نرخ رشد شاخص رفاه‌اجتماعی در سال‌های فوق به‌ترتیب ۱۵/۲-، ۹/۷-، ۹/۱-، ۹- و ۶/۵- واحد بوده است.

در سال‌هایی که بالاترین نرخ رشد شاخص رفاه‌اجتماعی ایجاد شده، سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۱، با افزایش متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها، بهبود در توزیع درآمد (کاهش در ضریب‌جینی) نیز در اقتصاد ایران به‌وقوع پیوسته است.

همچنین، در سال‌هایی که پایین‌ترین نرخ رشد شاخص رفاه‌اجتماعی ایجاد شده، سال ۱۳۸۸، با وجود کاهش در متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها وضعیت توزیع درآمد نیز نامناسب‌تر (افزایش در ضریب‌جینی) شده است.

میانگین و انحراف‌معیار شاخص رفاه‌اجتماعی طی ۳۷ سال دوره مطالعه به‌ترتیب ۸۰/۶ و ۱۳/۶ بوده است. چنانچه میانگین شاخص رفاه‌اجتماعی به‌علاوه و منهای ۲ برابر انحراف معیاربرای تعیین دامنه خارج از نرمال استاندارد محاسبه شود (۱۰۸ و ۵۳) ملاحظه می‌گردد که با وجود کاهش و افزایش در این شاخص در هیچ سالی شاخص رفاه‌اجتماعی (با وجود اعمال سیاست‌های متضاد توسط دولت‌های مختلف طی ۳۷ سال دوره مطالعه) از دامنه نرمال استاندارد خارج نشده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

جدول ٤. روند شاخص رفاه‌اجتماعی، ضریب‌جینی و متوسط هزینه واقعی خانوارهای مناطق شهری کشور طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳٥٦)

(ثابت ۱۳۷۶)

سال	متوسط هزینه خانوارها (ریال)	ضریب‌جینی	شاخص‌تورم (درصد)	متوسط هزینه واقعی خانوارها (هزار ریال)	رفاه‌اجتماعی آمارتیا سن	شاخص رفاه‌اجتماعی
۱۳۵۶	۴۳۸۲۰۹	۰/۵۴۲۰	۲/۴	۱۸۴۱۲	۸۴۳۳	۷۵/۶
۱۳۵۷	۴۸۳۲۰۸	۰/۵۲۹۱	۲/۶	۱۸۶۵۷	۸۷۸۶	۷۸/۸
۱۳۵۸	۵۲۸۲۰۶	۰/۵۱۶۱	۲/۹	۱۸۲۱۴	۸۸۱۴	۷۸/۸
۱۳۵۹	۵۴۵۵۴۴	۰/۴۴۳۱	۳/۶	۱۵۱۵۴	۸۴۳۹	۷۵/۹
۱۳۶۰	۷۱۴۵۰۷	۰/۴۴۸۶	۴/۴	۱۶۲۳۹	۸۹۵۴	۷۹/۹
۱۳۶۱	۸۸۳۴۶۹	۰/۴۵۴۱	۵/۷	۱۵۴۹۹	۸۴۶۱	۷۵/۶
۱۳۶۲	۱۱۱۳۱۱۶	۰/۴۶۸۱	۶/۵	۱۷۱۲۵	۹۱۰۹	۸۲/۱
۱۳۶۳	۱۲۴۰۴۸۹	۰/۴۶۲۱	۷/۱	۱۷۴۷۲	۹۳۹۸	۸۴/۱
۱۳۶۴	۱۲۷۹۹۵۸	۰/۴۶۵۱	۷/۷	۱۶۶۲۳	۸۸۹۲	۸۰/۱
۱۳۶۵	۱۳۱۴۵۷۶	۰/۴۶۱۱	۹/۴	۱۳۹۸۵	۷۵۳۶	۶۷/۳
۱۳۶۶	۱۴۸۸۷۸۴	۰/۴۶۱۸	۱۱/۷	۱۲۷۲۵	۶۸۴۸	۶۱/۳
۱۳۶۷	۱۸۰۰۳۲۸	۰/۴۳۴۱	۱۴/۷	۱۲۲۴۷	۶۹۳۱	۶۲/۳
۱۳۶۸	۲۰۸۶۱۳۸	۰/۴۳۱۳	۱۷/۱	۱۲۲۰۰	۶۹۳۸	۶۲/۲
۱۳۶۹	۲۲۹۳۷۷۹	۰/۴۴۵۲	۱۸/۶	۱۲۳۳۲	۶۸۴۲	۶۱/۴
۱۳۷۰	۳۰۵۸۶۹۱	۰/۴۵۳۱	۲۲/۴	۱۳۶۵۵	۷۴۶۸	۶۶/۹
۱۳۷۱	۳۷۹۵۷۵۲	۰/۴۲۱۹	۲۷/۹	۱۳۶۰۵	۷۸۶۵	۷۰/۶
۱۳۷۲	۴۶۱۲۷۳۶	۰/۴۲۵۱	۳۴/۳	۱۳۴۴۸	۷۷۳۱	۶۹/۴
۱۳۷۳	۶۲۴۲۴۶۰	۰/۴۱۵۱	۴۶/۳	۱۳۴۸۳	۷۸۸۶	۷۰/۷
۱۳۷۴	۸۸۷۹۶۳۸	۰/۴۴۴۸	۶۹/۲	۱۲۸۳۲	۷۱۲۴	۶۳/۹
۱۳۷۵	۱۱۰۶۰۶۷۵	۰/۴۳۹۱	۸۵/۳	۱۲۹۶۷	۷۲۷۳	۶۵/۳
۱۳۷۶	۱۳۳۴۵۸۶۳	۰/۴۲۰۳	۱۰۰	۱۳۳۴۶	۷۷۳۷	۶۹/۴
۱۳۷۷	۱۶۶۶۹۶۰۰	۰/۴۱۴۶	۱۱۸	۱۴۱۱۵	۸۲۶۳	۷۴/۱
۱۳۷۸	۲۰۷۰۲۸۸۶	۰/۴۱۲۸	۱۴۲	۱۴۶۰۰	۸۵۷۳	۷۶/۹
۱۳۷۹	۲۴۱۷۵۳۱۲	۰/۴۱۱۰	۱۶۰	۱۵۱۳۸	۸۹۱۶	۸۰
۱۳۸۰	۲۸۰۲۰۳۵۰	۰/۴۱۹۹	۱۷۸	۱۵۷۵۱	۹۱۳۷	۸۲
۱۳۸۱	۳۴۹۷۰۶۶۱	۰/۴۱۹۵	۲۰۶	۱۶۹۷۶	۹۸۵۵	۸۸/۴
۱۳۸۲	۴۰۹۸۹۲۸۳	۰/۳۹۹۶	۲۳۸	۱۷۲۰۸	۱۰۳۳۲	۹۲/۷
۱۳۸۳	۵۱۴۷۸۹۲۱	۰/۴۰۵۵	۲۷۵	۱۸۷۵۴	۱۱۱۴۹	۱۰۰
۱۳۸۴	۵۹۲۴۲۴۲۶	۰/۴۰۵۸	۳۰۳	۱۹۵۴۶	۱۱۶۱۴	۱۰۴/۲
۱۳۸۵	۶۷۲۸۶۰۲۱	۰/۴۱۵۶	۳۳۹	۱۹۸۴۳	۱۱۵۹۶	۱۰۴
۱۳۸۶	۸۱۲۸۹۱۳۹	۰/۴۱۳۶	۴۰۲	۲۰۲۴۶	۱۱۸۷۲	۱۰۶/۵
۱۳۸۷	۹۴۲۱۴۱۰۶	۰/۳۸۶۷	۵۰۳	۱۸۷۲۷	۱۱۴۸۵	۱۰۳
۱۳۸۸	۹۹۱۹۱۳۳۰	۰/۳۸۹۳	۵۸۰	۱۷۱۱۴	۱۰۴۵۱	۹۳/۷
۱۳۸۹	۱۱۳۶۷۷۵۰۴	۰/۳۸۴۱	۶۴۸	۱۷۵۴۶	۱۰۸۰۶	۹۶/۹
۱۳۹۰	۱۳۲۷۱۶۰۹۶	۰/۳۵۶۷	۷۸۷	۱۶۸۵۷	۱۰۸۴۲	۹۷/۳
۱۳۹۱	۱۶۴۲۸۰۶۲۱	۰/۳۵۴۲	۱۰۲۸	۱۵۹۸۸	۱۰۳۲۵	۹۲/۶
۱۳۹۲	۲۰۶۰۳۴۲۴۲	۰/۳۵۱۳	۱۳۸۴	۱۴۸۸۸	۹۶۵۸	۸۶/۷

مأخذ: ستون اول و دوم از هزینه، درآمد خانوارهای شهری مرکز آمار ایران، ستون سوم، بانک مرکزی وسایر ستون‌ها نتایج تحقیق می‌باشند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

جدول ۵. نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها، ضریب‌جینی و شاخص رفاه‌اجتماعی مناطق شهری کشور طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۵۷)

(درصد)

سال	نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها	نرخ رشد ضریب‌جینی	نرخ رشد شاخص رفاه‌اجتماعی
۱۳۵۷	۱/۳	-۲/۴	۴/۲
۱۳۵۸	-۲/۷	-۲/۴	-۰/۰۳
۱۳۵۹	-۱۶/۳	-۱۴/۱	-۳/۷
۱۳۶۰	۶/۴	۱/۲	۵/۳
۱۳۶۱	-۴/۵	۱/۲	-۵/۴
۱۳۶۲	۱۱/۴	۳/۱	۸/۵
۱۳۶۳	۱/۳	-۱/۳	۲/۴
۱۳۶۴	-۴/۲	۰/۶	-۴/۸
۱۳۶۵	-۱۶/۶	-۰/۹	-۱۵/۹
۱۳۶۶	-۸/۹	۰/۲	-۰/۹
۱۳۶۷	-۳/۳	-۶	۱/۷
۱۳۶۸	-/۶	-۰/۶	-۰/۱
۱۳۶۹	۱/۲	۳/۲	-۱/۳
۱۳۷۰	۱۰/۵	۱/۸	۸/۹
۱۳۷۱	-/۲	-۶/۹	۵/۵
۱۳۷۲	-۱	۰/۸	-۱/۶
۱۳۷۳	۰/۱	-۲/۴	۱/۸
۱۳۷۴	-۴/۸	۷/۲	-۹/۶
۱۳۷۵	۱/۱	-۱/۳	۲/۱
۱۳۷۶	۲/۹	-۴/۳	۶/۳
۱۳۷۷	۵/۸	-۱/۴	۶/۸
۱۳۷۸	۳/۴	-/۴	۳/۷
۱۳۷۹	۳/۷	-۰/۴	۴/۰
۱۳۸۰	۴/۰	۲/۲	۲/۵
۱۳۸۱	۷/۸	-۰/۱	۷/۹
۱۳۸۲	۱/۴	-۴/۷	۴/۸
۱۳۸۳	۹/۰	۱/۵	۷/۹
۱۳۸۴	۴/۲	۰/۱	۴/۲
۱۳۸۵	۱/۵	۲/۴	-۰/۲
۱۳۸۶	۲/۰	-۰/۵	۲/۴
۱۳۸۷	-۷/۵	-۶/۵	-۳/۳
۱۳۸۸	-۸/۶	-۰/۷	-۹
۱۳۸۹	۲/۵	-۱/۳	۳/۴
۱۳۹۰	-۳/۹	-۷/۱	۰/۳
۱۳۹۱	-۵/۱	-۰/۷	-۴/۸
۱۳۹۲	-۶/۸	-۰/۸	-۶/۴

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

به‌طور معمول برای تعیین اثرات اجزای شاخص رفاه‌اجتماعی از مشتق کلی شاخص استفاده می‌شود. مشتق کلی شاخص سن را می‌توان به‌صورت ذیل نوشت:

$$dw = (1 - G)\, dy - y\, dG \qquad (۳)$$

با استفاده از مشتق کلی فوق می‌توان تغییرات و نوسانات در رفاه‌اجتماعی را طی سال‌های مختلف مورد ارزیابی قرار داد و همچنین، تغییرات در این متغیر را بر اساس تأثیر عوامل دوگانه تولید و توزیع درآمدی مشخص نمود. جزء اول مشتق، مربوط به تغییرات متوسط هزینه واقعی یک خانوار به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ و اثر آن بر رفاه‌اجتماعی و جزء دوم آن مربوط به تغییرات ضریب‌جینی و اثر آن بر رفاه‌اجتماعی می‌باشد.

همانگونه که ملاحظه می‌شود طی ۴ دهه گذشته (۱۳۹۲-۱۳۵۶) نرخ رشد میانگین واقعی هزینه کل مناطق شهری به‌طور متوسط در حدود ($\frac{۶}{۱۰}$) درصدکاهش یافته است. از طرف دیگر کاهش ۱/۲ واحد درصدی در ضریب‌جینی طی این دوره رشد به‌دست آمده را تحت‌تأثیر قرار داده، به‌طوری‌که افزایش به‌طور متوسط در حدود ($\frac{۴}{۱۰}$) درصدی در شاخص رفاه‌اجتماعی مناطق شهری را در پی داشته است.

در توضیح این موضوع می‌توان عنوان نمود همانگونه که در صفحات قبل به آن اشاره گردید، می‌بایست توجه داشت چنانچه توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال قبل بهبود یابد، باید بررسی شود که تولید در این دوره زمانی چگونه تغییر نموده است. همچنین در دوره‌هایی که توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال گذشته بدتر شده باید بررسی شود که آیا تولید در این دوره زمانی افزایش یافته است. در این دوره ۳۷ ساله با وجودی که نرخ رشد میانگین واقعی هزینه‌کل خانوارهای مناطق شهری به‌طور متوسط ($\frac{۶}{۱۰}$) درصدکاهش یافته، اما به‌دلیل بهبود در وضعیت توزیع درآمد شاخص رفاه‌اجتماعی مناطق شهری در حدود ($\frac{۴}{۱۰}$) درصد افزایش یافته است.

برهمین اساس دستیابی اقتصاد کشور، همزمان به اهداف نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی به‌همراه کاهش ضریب‌جینی به ۰/۳۵ و یا دیگر شاخص‌های توزیع درآمد نظیر فاصله ۲ گروه بالا و پایین درآمدی در اواخر سال‌های برنامه پنجم امکان‌پذیرنمی‌باشد. بنابراین در ترسیم اهداف اقتصادی برای تنظیم قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور این موضوع که دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا به‌همراه کاهش ضریب‌جینی برای رسیدن به افزایش بالایی از شاخص رفاه‌اجتماعی با مشکلاتی مواجه خواهد شد می‌بایست مدنظر قرار گیرد (دوباره تأکید می‌شود که این موضوع به شرط ثبات

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

سایر شرایط می‌باشد، اما اگر در جامعه‌ای تحول عمیق فرهنگی پدیدار شود به‌طوری‌که طیف وسیعی از افراد آن کشورحاضر به فداکاری برای جامعه خویش باشند این نظریه تا حدود زیادی تعدیل خواهد گردید. نظیر وقوع انقلاب اسلامی در ایران و یا تفکرات رایج در کشورهای ژاپن،کره‌جنوبی و ... که تلاش‌های زیادی برای پیشرفت کشورشان انجام داده‌اند).

راهبردها و سیاست‌های تعیین و اجرا شده پیرامون برنامه‌ریزی برای رشد اقتصادی و نرخ آن در کشور طی ۴ دهه گذشته بر اساس ایجاد مناطق صنعتی و کشاورزی در محدوده‌های خاصی از شهرها و روستاهای کشور علاوه بر اینکه وضعیت توزیع درآمد و رفاه‌اجتماعی را در شرایط بهبود قابل‌توجهی قرار نداده است (به‌استثنای چند سال مشخص) موجب عدم تعادل و توازن در توزیع منابع، امکانات و رشد بین مناطق و استان‌های مختلف کشور نیز شده است. عدم توجه کافی در سیاستگذاری‌ها و همچنین اجرای ناقص سیاست‌های مصوب در برنامه‌های توسعه کشور پیرامون برنامه‌های آمایش سرزمین، فاصله توسعه‌یافتگی بین استان‌ها و مناطق مختلف کشور را بیشتر نموده است. به بیان دیگر اگر چه راهبردها و سیاست‌های تعیین و اجرا شده همه استان‌های کشور را از نظر درجه توسعه‌یافتگی بهبود بخشیده، با این‌حال میزان این بهبود در مناطق توسعه‌یافته بسیار بیشتر از مناطق محروم بوده و همین امر شکاف توسعه‌یافتگی در مناطق مختلف کشور را تشدید نموده است.

۸ بررسی نتایج محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و تغییرات به‌وجود آمده ۲ مقطع ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ براساس روش تاپسیس

براساس آمار و اطلاعات جدول (۶)، نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهند که درجه توسعه‌یافتگی تمام استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ بهبود یافته است. اگرچه بالاترین میزان درجه توسعه‌یافتگی مناطق کشور در سال‌های ۱۳۷۵و ۱۳۸۵ (پیشرفته‌ترین استان) متعلق به استان تهران است، میزان بهبود در درجه توسعه‌یافتگی این استان در سطح ($\frac{۱۰}{۱۰۰}$) واحد بوده است. همچنین، پایین‌ترین درجه توسعه‌یافتگی در ۲ مقطع ۱۳۷۵و ۱۳۸۵ (محروم‌ترین استان)، متعلق به استان سیستان و بلوچستان و میزان بهبود در درجه توسعه‌یافتگی در ۲ مقطع مذکور نیز برای این استان حدود ($\frac{۷}{۱۰۰}$) واحد بوده است.

بر اساس نتایج به‌دست آمده بالاترین میزان بهبود در درجه توسعه‌یافتگی مناطق کشور متعلق به استان‌های خوزستان ($\frac{۱۷}{۱۰۰}$) واحد، هرمزگان ($\frac{۱۵}{۱۰۰}$) واحد، زنجان ($\frac{۱۴}{۱۰۰}$) واحد، مازندران و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

خراسان‌رضوی ($\frac{۱۲}{۱۰۰}$) واحد بوده و پایین‌ترین میزان بهبود در درجه توسعه‌یافتگی در ۲ مقطع ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ متعلق به استان یزد کمتر از ($\frac{۱}{۱۰۰}$) واحد بوده است.

بر اساس درجه توسعه‌یافتگی به‌دست آمده از استان‌ها در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ میانگین و انحراف‌معیار درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در سال‌های مذکور به‌ترتیب برابر با ۰/۳۳ و ۰/۰۶۱، ۰/۴۱ و ۰/۰۵۳ بوده است.

در مباحث علم آمار، برای قیاس ۲ جامعه آماری، جامعه‌ای مطلوب‌تر می‌باشد که دارای میانگین بالاتر و پراکندگی (انحراف‌معیار) کمتری باشد، بنابراین به‌طور متوسط وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ بهتر تلقی می‌گردد؛ چرا که میانگین توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایش و انحراف معیار (پراکندگی) توسعه‌یافتگی کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است، اما چنانچه این مقایسه با شاخص دامنه تغییرات انجام شود وضعیت کشور نه‌تنها بهبود نیافته بلکه تا حد قابل‌توجهی نیز فاصله بیشتر شده است. دلیل این امر نیز روشن است چرا که بهبود در درجه توسعه‌یافتگی در سطح بالا به‌طور عمده در استان‌هایی که درحال توسعه هستند پدید آمده است، بنابراین موارد فوق موجب افزایش شکاف میان پیشرفته‌ترین و عقب‌مانده‌ترین استان‌ها شده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

جدول ۶. درجه توسعه‌یافتگی مناطق مختلف کشور و میزان بهبود آن در ۲ مقطع ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ بر اساس روش تاپسیس

استان	درجه توسعه‌یافتگی در سال		میزان بهبود
	۱۳۷۵	۱۳۸۵	
آذربایجان‌شرقی	۰/۳۶۱۸	۰/۴۴۱۷	۰/۰۸
آذربایجان‌غربی	۰/۲۸۲۸	۰/۳۷۳۱	۰/۰۹
اردبیل	۰/۲۸۸۴	۰/۳۹۵۱	۰/۱۱
اصفهان	۰/۴۰۲۲	۰/۴۶۷۴	۰/۰۷
ایلام	۰/۳۰۷۴	۰/۳۸۴۸	۰/۰۸
بوشهر	۰/۳۴۱۳	۰/۳۷۵۳	۰/۰۳
تهران	۰/۴۹۹۱	۰/۶۰۰۴	۰/۱۰
چهارمحال و بختیاری	۰/۳۳۲۳	۰/۴۰۲۱	۰/۰۷
خراسان جنوبی	---	۰/۴۰۳۶	---
خراسان رضوی	۰/۳۰۷۸	۰/۴۲۹۸	۰/۱۲
خراسان شمالی	---	۰/۳۷۵۵	---
خوزستان	۰/۲۹۱۳	۰/۴۶۴۰	۰/۱۷
زنجان	۰/۲۹۴۱	۰/۴۲۹۳	۰/۱۴
سمنان	۰/۴۰۸۲	۰/۴۶۴۷	۰/۰۶
سیستان و بلوچستان	۰/۲۳۳۷	۰/۳۰۲۸	۰/۰۷
فارس	۰/۳۱۹۶	۰/۳۷۹۹	۰/۰۶
قزوین	---	۰/۴۳۳۷	---
قم	---	۰/۴۸۲۵	---
کردستان	۰/۲۸۹۸	۰/۳۷۴۹	۰/۰۹
کرمان	/۳۱۶۳۰	۰/۳۷۰۱	۰/۰۵
کرمانشاه	۰/۳۴۵۹	۰/۴۰۰۳	۰/۰۵
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۲۸۲۷	۰/۳۶۸۵	۰/۰۹
گلستان	---	۰/۳۹۸۶	---
گیلان	۰/۳۵۴۵	۰/۴۳۶۷	۰/۰۸
لرستان	۰/۲۵۵۹	۰/۳۶۳۵	۰/۱۱
مازندران	۰/۳۱۰۷	۰/۴۳۶۵	۰/۱۳
مرکزی	۰/۳۵۹۴	۰/۴۳۳۳	۰/۰۷
هرمزگان	۰/۲۳۵۸	۰/۳۸۲۱	۰/۱۵
همدان	۰/۳۳۱۴	۰/۴۳۰۲	۰/۱۰
یزد	/۴۴۰۲۰	۰/۴۴۴۷	۰/۰۰۵
درجه توسعه‌پیشرفته‌ترین	۰/۴۹۹۱	۰/۶۰۰۴	۰/۱۰
درجه توسعه عقب‌مانده‌ترین	۰/۲۳۳۷	۰/۳۰۲۸	۰/۰۷

مأخذ: اسلامی، ۱۳۹۱.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

منابع

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۷۹)، "یارانه و خط‌فقر"، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، معاونت امور اقتصادی.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۱)، "اثرسیاست‌های حمایتی دولت بر نابرابری"، همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اسفند ماه.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۵)، "اثر برخی از متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد"، همایش اقتصاد ایران در گام نهم، وزارت امور اقتصادی ودارایی، مرداد ماه.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۹)، "بررسی تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه پیرامون توزیع درآمد"، همایش برنامه پنجم توسعه، مجلس شورای‌اسلامی، خرداد ماه.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۹۰)، "نگرشی اقتصادی بر جنبش ضد وال‌استریت"، *مجله اقتصادی*، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره‌های ۷و۸، سال ۱۱، مهر ماه.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۹۱)، "تعیین و محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور طی ۲ مقطع (۱۳۸۵-۱۳۷۵)"، *مجله اقتصادی*، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال ۱۲، شماره ۱، فروردین ماه.

اشرفی، یکتا و زینت گلی (۱۳۸۷)، "بررسی وضعیت توزیع درآمد با استفاده از محاسبه ضریب‌جینی و شاخص رفاه سن طی سال‌های (۱۳۸۶-۱۳۶۸)"، *مجله اقتصادی معاونت امور اقتصادی*، اسفند ماه.

بهشتی، محمد و رضا صدیق (۱۳۸۵)، "آزمون موتور رشد کالدور در اقتصاد ایران در دوره (۱۳۷۹-۱۳۳۸)"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۲۸، پاییز.

جلالی، محسن (۱۳۸۵)، "تجزیه ضریب‌جینی و کشش درآمدی آن در ایران"، *فصلنامه روند*، تیر ماه.

جلالی، محسن (۱۳۸۶)، "بررسی تابع رفاه‌اجتماعی در ایران"، *فصلنامه روند*، بهار و تابستان.

دکتر درکوش (۱۳۷۰)، جزوه درس اقتصاد کلان ۲، کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.

دکتر صدر (۱۳۷۰)، جزوه درسی موضوعات انتخابی در اقتصاد اسلامی، کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.

رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۱)، "نقد و بررسی چند الگوی نظری در اقتصاد رفاه"، *فصلنامه رفاه‌اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی*، سال دوم، شماره ۳، بهار.

سامتی، مرتضی (۱۳۷۵)، "عدالت اجتماعی و توزیع درآمد در ایران"، وزارت اقتصاد و دارایی.

شهیکی‌تاش، محمدنبی، مولایی، صابر و الهام شیوایی (۱۳۹۲)، "سنجش کاردینالی رفاه و ارزیابی اثر متغیرهای کلان برتغییرات رفاه در ایران برمبنای رگرسیون فازی"، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی، شماره ۶۵، بهار.

صیادزاده، علی و سید محمد مهدی احمدی (۱۳۸۵)،"بررسی تابع رفاه‌اجتماعی آمارتیاسن در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی"، *نامه مفید*، دانشگاه مفید، دی ماه.

عادلی، محمدحسین و علی رنجبرکی (۱۳۸۴)، "بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران"، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۱۸، پاییز.

عادل‌زاده، رسول (۱۳۸۶)، *بررسی روند شاخص‌های توزیع درآمد در استان‌های کشور به‌تفکیک مناطق شهری و روستایی طی دوره (۱۳۸۴-۱۳۵۰)*، پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران، اسفند ماه.

مرکز آمار ایران، *هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۵۶)*.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]

نیلی، فرهاد (۱۳۷۵)، "رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه‌اجتماعی در سال‌های (۱۳۷۲-۱۳۶۱)"، *مجله برنامه و بودجه*، سازمان برنامه و بودجه، شماره ۱.

نیلی، فرهاد (۱۳۷۸)، "رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره‌های ۳۸ و ۳۹، سازمان برنامه و بودجه.

نیلی، مسعود و علی فرحبخش (۱۳۷۷)، "ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره‌های ۳۴ و ۳۵، سازمان برنامه و بودجه.

Aghion, P. & P. Bolton (1992), "Distribution and Growth in Models of Imperfect Capital Markets", *European Economic Review*, No. 36.

Champernowne, D. G. (1953), A Model of Income Distribution", *The Economic Journal*, Vol. 63, No. 250. Jun.

Kuznetes's (1955), "Economic Growth and Income Inequality, op, PP. 7-18.

Lars P. Feld, Justina A.V. & Fischer, Gebhard Kirchassner, *The Effect of Direct Democracy on Income Redistribution: Evidence for Switzerland Phillips-University of Marburg*, University of St. Gallen and CESifo University of St. Gallen, SIAW-HSG , CESifo and Leopoldina.

Provisional Data from OECD Income Distribution and Poverty Database (2011), Oct, 18.

Saint-Paul, Gilles, & Thierry Verdier (1996), "Inequality, Redistribution and Growth: A Challenge to the Conventional Political Economy Approach", *European Economic Review,* No. 40.

Sen, A.(1973), On Eonomic Inequality, Oxford, Colrendon Press.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-07]